گزارش

درنشست «انتخابات آمریکا و پیامدهای آن در ایران» بررسی شد

آیا بایدن فرصتی برای ایران خواهد بود؟

● **شرق:** نشست «انتخابات آمریکا و پیامدهای آن در ایران» به صورت ترکیبی حضوری و آنلاین در دفتر حزب اتحاد ملت در تهران برگزار شد. در این نشست، عماد خاتمی، عضو شورای مرکزی حزب اتحاد ملت، غلامعلی خوشرو، سفیر سابق ایران در سازمان ملل و محسن میردامادی، معاون سیاسی حزب اتحاد ملت، به بررسی انتخابات ریاست‌جمهوری آمریکا و تبعات احتمالی آن بر انتخابات ایران پرداختند. عماد خاتمی در این نشست به تشریح ساختار انتخابات آمریکا پرداخت و وضعیت رقابت را براساس ترکیب آرای ایالتی تبیین کرد. خاتمی در توضیحات خود اشاره کرد که به دلیل سیستم خاص ایالات متحده و آرای الکترال، در تاریخ آمریکا چند بار برنده انتخابات ریاست‌جمهوری، برنده آرای عمومی نبوده است. در هفت انتخابات اخیر ریاست‌جمهوری آمریکا، جمهوری‌خواهان سه بار برنده شده‌اند، درحالی‌که تنها یک بار اکثریت آرای مردمی را داشته‌اند. عضو شورای مرکزی حزب اتحاد ملت با بررسی نظرسنجی‌ها وضعیت بایدن را در رقابت بهتر توصیف کرد و با اشاره به عوامل شکست هیلاری کلینتون در سال ۲۰۱۶ و بالابودن آرای مردد تا روز آخر که در نهایت به نفع ترامپ چرخیدند، تأکید کرد همچنان شانس صحیح‌بودن ارزیابی نظرسنجی‌ها از غلط‌درآمدن آنها بیشتر است، چون نهادهای برگزارکننده هم از لحاظ اعتباری و هم از لحاظ مالی برای دقت کار خود اهمیت قائل هستند و به‌همین‌دلیل دقت خود را افزایش می‌دهند. خاتمی سپس درباره وضعیت رقابت کنگره گفت نتیجه این انتخابات چندان برای ما ایرانی‌ها اهمیت ندارد و بیشتر ریاست‌جمهوری مهم است، درعین‌حال از نگاه او دموکرات‌ها شانس خیلی بالایی دارند که اکثریت مجلس سنا را از جمهوری‌خواهان بگیرند و در مجلس نمایندگان هم اکثریت خود را حفظ خواهند کرد. غلامعلی خوشرو در این نشست درباره برجام گفت ایران مذاکره طولانی‌مدت در ۱۲ سال داشت و در نهایت به تفاهمی رسید؛ اما یک انتخابات در آمریکا برگزار شد و دونالد ترامپ، با این دلیل اصلی که برجام حاصل کار باراک اوباما بود، به مخالفت با این توافق پرداخت. «ما درگیر فردی شدیم که مسائل شخصی و داخلی برایش مهم‌تر بود». خوشرو تأکید کرد که یک‌جانبه‌گرایی و اقدامات مربوط به شخص ترامپ از همه‌چیز بارزتر است. او حتی در صحنه داخلی هم چندین‌بار مقامات خود را تغییر می‌دهد، چون سیاست‌های استثنائی است و متعارف نیست. او سپس به خروج آمریکا در دوران ترامپ از برجام پرداخت و گفت تصور ترامپ این بود که این منجر می‌شود ایرانی‌ها با او مذاکره کنند. او از کتاب بولتون مثال آورد که در آن ترامپ «هر وقت تصمیم حادی علیه ایران می‌گیرد، از بولتون می‌پرسد که حالا ایرانی‌ها می‌آیند پای میز مذاکره؟ یعنی روش خیلی کسب‌وکاری و ساده‌لوحانه برای روابط با کشورها. هیچ‌کس با چنین رویکردی وارد مذاکره نمی‌شود». این دیپلمات سابق ماندن ایران در برجام را «با صبر و حوصله و درعین‌حال با نارضایتی» توصیف کرد و گفت ایران کار چندجانبه‌ای را دنبال کرد اما آمریکا حتی در مقابل شورای امنیت هم قرار گرفت. خوشرو در رابطه با احتمال تغییر رئیس‌جمهور آمریکا توضیح داد: «اگر شرایط در آمریکا عوض شود، طبیعتا اوضاع فرق می‌کند و شرایطی که منجر به تصویب برجام شد، علی‌الاصول باید برگردد. آقای بایدن و تیمی که دارند با او کار می‌کنند، همان‌هایی هستند که در برجام هم بوده‌اند. من فکر نمی‌کنم لازم باشد مذاکره‌ای برای این کار انجام شود. کسی که یک‌جانبه از خیلی تعهدات بین‌المللی خارج شده، باید برگردد. البته طبیعتا طرف‌هایی که خسارت دیده‌اند، حرف‌های خودشان را دارند». او با اشاره به مذاکرات طولانی برجام با چندین کشور و تصویب قطع‌نامه‌های مربوط به آن در شورای امنیت سازمان ملل ادامه داد: «ما نیاز به همکاری بین‌المللی داریم [ولی] این کار انجام شده است. من فکر نمی‌کنم در آینده نزدیک دوباره قابل تصور باشد که روزها و هفته‌ها وزرای خارجه چین، آمریکا، روسیه، فرانسه، آلمان و انگلیس دور هم جمع شوند و بخواهند روی این پرونده کار کنند. این پرونده‌ای استثنائی بود که در مذاکرات حرفه‌ای و طولانی به نتیجه رسید». خوشرو درباره مذاکره با ترامپ افزود: «اول می‌گفت اول آمریکا، بعد شد فقط آمریکا و بعد شد فقط ترامپ. با این آدم مذاکره‌کردن نتیجه‌ای ندارد و می‌تواند خیلی خسارت‌بار باشد. الان هم که در وضعیت بحرانی قرار دارد». این دیپلمات در انتها تأکید کرد مشکل ایران با آمریکا از دیروز و امروز شروع نشده است و به این راحتی هم حل‌شدنی نیست: «دموکرات‌ها روی یک مسئله با ما به تفاهم رسیده‌اند، وگرنه آمریکایی‌ها می‌خواهند خسارت‌هایی را که در منطقه دیده‌اند با فشار بر ما جبران کنند. امیدوارم با برگشتن عقلانیت در آمریکا مسئله به یک حل‌وفصلی برسد». محسن میردامادی گفت: «متأسفانه طوری رفتار شده که به نقطه‌ای رسیده‌ایم که زمانی به دنبال استقلال از اثرگذاری کشورهای خارجی بودیم، حالا به جایی رسیده‌ایم که انتخابات آمریکا می‌تواند این‌طور توجه‌ها را به خود جلب کند و تأثیرگذار باشد. این پدیده خوبی نیست ولی به‌هرحال هست و اهمیتش هم کم نیست».

ادامه در صفحه ۶

گفت‌وگو با نعمت‌الله ایزدی درباره نقش حزب توده در ابتدای دهه ۶۰

حزب توده به هاشمی و موسوی اطلاعات می‌داد

مخملباف سردمدار جدایی از سازمان مجاهدین خلق شد

عکس: شفقنا

امیرحسین جعفری: مرور روایت‌های تاریخی حتی با سؤالات تکراری از زبان چهره‌های مختلف می‌تواند راه‌گشای روشن‌سازی بخشی از تاریخ معاصر میهن ما باشد، حزب توده ایران و نقش اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی در کشورمان در دهه ۶۰ بحث مفصل و بحث‌برانگیزی است که نکات مبهم بسیاری دارد. در همین زمینه گفت‌وگو کردیم با نعمت‌الله ایزدی، زندانی پیش از انقلاب، فرماندار سابق اصفهان، کارمند دفتر سیاسی نخست‌وزیری، مشاور وزیر خارجه، سفیر ایران در شوروی و جمهوری‌های پس از آن، رئیس هیئت‌مدیره صندوق بازنشستگی کشوری. ایزدی خاطراتش را نیز در کتابی به نام مأموریت در مسکو مفصلا به نگارش درآورده است.

مبارزه را پیش از انقلاب از چه زمانی و با چه گروهی آغاز کردید؟

من با گروه خاصی در ارتباط نبودم، در سال ۱۳۵۴ به دانشگاه صنعتی شریف وارد شدم. در ماه‌های اول دوران تحصیلم تظاهرات‌هایی انجام شد که من در سوم آذر سال ۱۳۵۴ در تظاهرات دستگیر شدم اما بعدا چون یک‌سری فعالیت‌های‌مان برای ساواک رو شد شش سال محکومیت گرفتم. ابتدا صد روز در کمیته مشترک ضدخرابکاری بودم و سپس به زندان قصر منتقل شدم. در زندان نیز تقریبا با همه هم‌بند بودیم. آنجا افراد نسبت به سال‌های محکومیت دسته‌بندی شده بودند؛ مثلا پنج سال و هشت سال و بیشتر هرکدام در یک بند بودند اما در ماه‌های آخر که آزادی‌ها پیش آمد ارتباط بین بندها بیشتر شد و به همین دلیل با همه آشنا بودم و در ۲۸ آبان ۵۷ با دومین گروه زندانیان سیاسی آزاد شدم.

دعواهای درون زندان از چه قرار بود؟ آیا اختلافات درون زندان بر روندهای پس از انقلاب تأثیر گذاشت؟

دو دسته عمده در زندان وجود داشت؛ مذهبی‌ها و مارکسیست‌ها که هرکدام با یکدیگر دعوا داشتند. گروه‌های چپ دسته‌بندی‌های مختلفی داشتند؛ چپ مائوئیست، طرفدار شوروی، طرفدار مبارزه مسلحانه، مبارزه سیاسی و... که در آغاز دعواها میان چپ‌ها شروع شد که چند دسته شدند و بعد از مدتی میان گروه‌های مذهبی نیز اختلاف افتاد که عمده‌ترین آن اعضای سازمان مجاهدین خلق بودند و کسانی که به نوعی هوادار آنها به حساب می‌آمدند که بعد از مهر ۵۴ با تغییر ایدئولوژی سازمان اختلافات جدی پیش آمد، در بندهای مختلف نیز متفاوت بود؛ مثلا در بند ما سردمدار جدایی از سازمان مجاهدین خلق محسن مخملباف بود. با وجود اینکه خودش جذب سازمان مجاهدین شده بود ولی بعد از یکی، دو سال رفتار آنها را نمی‌پسندید و جدا شد. در بندهای دیگر هم افراد مختلفی بودند از مؤتلفه تا حزب ملل و... که مشی مجاهدین را نمی‌پسندیدند ولی آنچه من به خاطر می‌آورم شروعش از بند ما با فعالیت‌های محسن مخملباف بود که به طور علنی و تشکلی در مخالفت با سازمان مجاهدین شکل گرفت. البته آن موقع گروه‌های مختلف اسم پیدا کردند ولی در داخل زندان مذهبیون نیز دو دسته بودند که یکی از بحث‌های‌شان نحوه تعامل با مارکسیست‌ها بود، نجس‌بودن مارکسیست‌ها بود و اینکه تعامل با آنها ممنوع است و دستشان را نباید به آنها بزنند و کافرند. این گروه‌ها اهل فتوا بودند و ظاهرا فتوایی از علما در این رابطه گرفته بودند ولی عده‌ای معتقد بودند اینها نجس فکری‌اند و نجس جسمی نیستند؛ بین این دو دسته نیز اختلاف بود که بعدها به بیرون از زندان کشیده شد.

بعد از پیروزی انقلاب در کدام ارگان مشغول به کار شدید؟

پس از پیروزی انقلاب ابتدا وارد کمیته شدم و تا آبان ۵۸ در آنجا بودم. پس از آن به استانداری اصفهان برای همکاری با محمدکاظم موسوی‌بجنوردی رفتم و مدتی نیز فرماندار بودم و در سال ۱۳۶۰ در حال مهاجرت به تهران بودم که بعضی از دوستان دوران زندان از جمله آقایان بهزاد نبوی، خسرو تهرانی و شهید رجایی که از دوستان داخل زندان بودند پیشنهاد کردند در نخست‌وزیری کار کنم که در بخش سیاسی آن مجموعه مشغول به کار شدم و تا سال ۶۸ نیز به فعالیت در آن نهاد ادامه دادم اما پرونده‌ای کار نمی‌کردم و تمایل کاری‌ام سیاست خارجی بود به همین علت در مسائل داخلی دخالتی نداشتم.

هشتم شهریور کجا بودید؟ کشمیری را دیده بودید؟

کشمیری را دیده بودم ولی ارتباط کاری نداشتم. هشتم شهریور نیز در همان ساختمان نخست‌وزیری بودم؛ انفجار در طبقه اول انجام شد و ما در طبقه دوم بودیم و ارتباطی نیز با آن جلسه نداشتیم.

در پرونده حزب توده اطلاعات یا مسئولیتی داشتید؟

من به تناسب روی جریانات حزب توده و ارتباط‌شان با شوروی اطلاع داشتم ولی کار مستقیمی روی آن انجام ندادم، آنها یک‌سری اطلاعات به نخست‌وزیری می‌دادند و سعی می‌کردند حساسیت دولت را روی فعالیت سلطنت‌طلب‌ها و ضد انقلاب راست متمرکز کنند و مقداری با اطلاعاتی که می‌دهند ذهن‌ها را از فعالیت‌های خودشان و گروه‌های چپ منحرف کنند، هم به آقای هاشمی اطلاعات می‌دادند و هم به آقای موسوی؛ مثلا اطلاعات می‌آوردند فردی در خارج کشور مشغول فعالیت علیه انقلاب است و ما نیز این اطلاعات را پس از بررسی به وزارت خارجه می‌دادیم ولی اکثرا همین مدل همکاری داشتند که به صورت نامه‌نگاری بود.

شما از دیدار و همکاری دستگاه امنیتی با کوزیچکین مطلع بودید؟ در سفر به پاکستان حضور داشتید؟

اصلا آن موقع مطلع نشدیم و بعدا فهمیدیم ارتباطی با کوزیچکین گرفته‌اند، این کاری بود که تصمیمش در سطح سران سه قوه بود.

چرا با حزب توده برخورد شد؟

بعد از اینکه جمهوری اسلامی با مجاهدین خلق برخورد کرد و خیالش از آن جهت راحت شد، طبیعی بود که توجه‌ها به سمت گروه‌های دیگر معطوف شود، اینها نیز حزب طرفدار شوروی بودند و در خبرها بود که با سفارت شوروی ارتباط دارند که سپاه نیز روی این پرونده کار می‌کرد، به‌ویژه یک‌سری مسئله نیز درباره جنگ پیش آمد که احساس می‌شد اطلاعاتی به شوروی داده‌اند و با این ذهنیت با حزب توده برخورد شد.

فقط به همین علت؟

در جریان پرونده قرار ندارم که چه اعترافاتی کردند؛ البته تلویزیون در آن سال‌ها پخش کرد و گفتند شاخه نظامی داشتیم و در آن مقطع کسی تصور نمی‌کرد حزب توده شاخه نظامی داشته باشد و در زندان قبل از انقلاب نیز با فعالیت نظامی مخالف بودند و به نظر می‌رسد اعترافات‌شان منجر به اعدام‌شان شد و درباره آنها بیشتر ارتباط با شوروی مطرح بود و اطلاعات سپاه روی این پرونده کار می‌کرد.

میرحسین موسوی در جریان بود؟

خیلی بعید می‌دانم.

مقامات شوروی در مذاکرات‌شان با شما اعتراضی درباره رفتار جمهوری اسلامی با حزب توده داشتند؟

خیر، اصلا دیگر این بحث‌ها نبود، من وقتی به شوروی رفتم یک‌سال‌ونیم بعدش شوروی فروپاشید و در ایران نیز جنگ تمام شده بود و دولت آقای هاشمی بر سر کار بود و رقابت بر سر سرمایه‌گذاری در ایران بود، به‌ویژه شوروی نیز علاقه‌مند بود و از قدیم نیز در ساخت صنایع در ایران ازجمله ذوب‌آهن، ماشین‌سازی و... حضور داشتند و شوروی نیز آن‌قدر مشکلات داخلی داشت که این مسائل در آن گم بود و وضعیت شوروی این‌قدر حاد شده بود که بحث این بود که چگونه اتحاد را حفظ کنند و مباحث مربوط به گذشته یک بار هم در مذاکرات‌شان مطرح نشد.

برخورد با حزب توده تأثیری بر روابط با شوروی داشت؟

در ظاهر شوروی‌ها یک‌سری برخوردهای سیاسی و دیپلماتیک کردند که در قالب حزب توده نیز نبود و غیرمستقیم اعتراض کردند این حزبی را که طرفدار خط امام و انقلاب بود، با آنها برخورد کردند ولی در قالب جزئی‌تر ایران تصمیم گرفت ۱۸ دیپلمات شوروی را اخراج کند، آنها نیز سه دیپلمات ما را اخراج کردند و برخوردها به این شکل بود، این دیپلمات‌ها نیز به علت اعترافات اعضای حزب توده مبنی بر ارتباط با سفارت و به‌عنوان عنصر نامطلوب در ایران اخراج شدند و عده‌ای از آن دیپلمات‌ها واقعا جزء کا.گ.ب بودند.

در اوایل انقلاب شما سفری به آلمان شرقی داشته‌اید، قصه این سفر چیست؟

من آن سفر را در سال ۶۰ رفتم و ربطی به این مسائل و حزب توده نداشت؛ از سال ۵۹ تا ۶۱ جمهوری اسلامی تصمیم گرفته بود به مناسبت سالگرد انقلاب هیئت‌هایی را به کشورهای دیگر بفرستد و وضعیت کشور و انقلاب را توجیه کند و آن کشورها را با آرمان‌های انقلاب آشناتر کند و کشورهایی انتخاب می‌شدند که باید به آنها سفر می‌شد، البته ممکن بود کشوری نپذیرد، به‌هرحال هیئت‌هایی در سطح وزرا، نمایندگان مجلس و معاونان نخست‌وزیر اعزام می‌شدند و من نیز هیئتی را همراهی کردم، آن زمان مسئول تیم ما آقای جاسبی به‌عنوان معاون نخست‌وزیر و رئیس سازمان استخدامی بود که به آلمان شرقی، غربی و چکسلواکی رفتیم.

روس‌هراسی در میان ایرانیان ریشه در چه چیزی دارد؟

روس‌ها وضعیتی در ۲۰۰ سال گذشته داشته‌اند که سابقه خوبی از خود به جا نگذاشته‌اند. از ابتدای قرن ۱۹ که جنگ‌های ایران و روس شروع می‌شود و این روند جنگ‌ها سال‌ها ادامه داشت که منجر به قراردادهای ترکمانچای و گلستان شد از طرفی نفوذ روسیه بر دربار قاجار شدید بود، به‌طوری‌که ولیعهدها برای پادشاهی باید مدتی را در تبریز می‌گذراندند و روسیه نیز در آن شهر خیلی نفوذ داشت و با مقامات ارتباط می‌گرفت و این ذهنیت را در تاریخ درست کرده است که حکومت در ایران دو دسته است، نخست‌وزیران توسط انگلیس و پادشاهان توسط روس‌ها هدایت می‌شوند. اینها در قرن ۱۹ بود، در قرن بیستم باز انقلابی که در شوروی و نهضت جنگل و... پیش آمد تا به جنگ جهانی دوم و فرقه دموکرات و مسائل این‌چنینی رسیدیم و باعث شد ذهنیت منفی نسبت به روس‌ها ایجاد شود و بعد از آن نیز ادامه پیدا کرد. دیگران نیز به این روس‌هراسی دامن می‌زدند و آمریکایی‌ها در دوران جنگ سرد علیه شوروی در ایران تبلیغات منفی می‌کردند و حزب توده نیز رفتار درستی در دوران مصدق نداشت.

در مقابل، ایران‌هراسی در شوروی یا کلا میان روس‌ها وجود داشت؟

این‌قدر که شوروی در مرکز سیاست خارجی ایران است، ایران در مرکز سیاست‌های آنها نیست، نهایتا ایران‌هراسی بعد از انقلاب یک مقدار ایجاد شد آن هم وقتی که جمهوری‌های مسلمان‌نشین جنوب شوروی به‌تدریج گرایش‌هایی نسبت به ایران نشان دادند و باعث شد تبلیغ ایران‌هراسی شود. یک بحث کلی دیگری نیز از دید من مطرح است و آن بحث انقلاب ایران است؛ وقتی انقلاب پیروز شد یک رقیب جدی برای شوروی شد زیرا قبل از آن شوروی بود که انقلاب را به کشورهای دیگر صادر می‌کرد و معلم نهضت‌های رهایی‌بخش بود، اما بعد از انقلاب گرایش‌ها به سمت ما شد و نهضت‌های رهایی‌بخش به سوی ما آمدند و رقابت نانوشته‌ای بین ایران و شوروی ایجاد شد که قرار است چه انقلابی صادر شود؟ و چه کسی باید انقلاب را صادر کند؟ و به علت اینکه جامعه هدف کشورهای جهان سوم بود و ما و شوروی روی این کشورها تمرکز داشتیم، باعث رقابت شد.

اقدامات ضدایرانی آمریکا معاصرتر از اقدامات شوروی است، چرا تمایل به آمریکا در جو عمومی زیاد است؟

اینکه جو عمومی به نفع آمریکاست باید نظرسنجی شود البته ظواهر این‌گونه نشان می‌دهد وقتی افکار عمومی از روس‌ها گریزان است به آمریکا علاقه‌مند می‌شود. البته من به این موضوع وارد نمی‌شوم و با این تعبیر موافقم که ذهنیت ایرانی‌ها به علت تسلط غربی‌ها در ایران ذهنیتی غرب‌گرایانه بوده است و بعد از جنگ اول جهانی اولین کشورهایی که به ایران می‌آیند آلمان و فرانسه و انگلیس هستند و ما نیز اولین دانشجوهای خود را به اروپا می‌فرستیم و طبیعی است که این مجموعه چنین ذهنیتی را ایجاد کند و عملکرد شوروی‌ها و ذهنیت مردم نسبت به آنها یک نوع عدم تمایل است و حکومت ایران در قبل انقلاب نیز به چنین چیزی علاقه داشته است.

در جریان ورود مک‌فارلین به ایران بودید؟

خیر، وقتی لو رفت ما متوجه شدیم و با ما صحبتی نکرده بودند؛ البته آن زمان من در وزارت خارجه نبودم.

بعد از فروپاشی شوروی زمزمه الحاق آذربایجان به ایران شنیده می‌شد، در شوروی چه خبر بود؟

بیشترین بحثی که آن زمان شد و اعتقادم این است که شاید آمریکایی‌ها بیشتر به آن دامن زده‌اند بحث یکی‌شدن آذربایجان‌ها بود و می‌گفتند جنگ‌ها باعث جدایی این مناطق شده است و آمریکایی‌ها یک نقشه آذربایجان واحد چاپ کردند و مشخصات و جمعیت و ظرفیت‌های اقتصادی و... را درباره آذربایجان منتشر کردند و گفتند حالا که شوروی در حال فروپاشی است، این ظرفیت وجود دارد که آذربایجانی‌ها متحد شوند و این بحث روز آن زمان بود و در هر دو آذربایجان نیز طرفدارانی داشت و برخی امکانات ظاهری باکو نظر عده‌ای را جلب کرده بود ولی در عمل اتفاق خاصی نیفتاد، در آن زمان وزارت خارجه به ریاست آقای ولایتی تصمیم گرفت ستادی به نام جمهوری‌ها تشکیل دهد و مسئول بخش اروپای شرقی آن من بودم، اولین اقدام جمهوری‌های جداشده از شوروی ایجاد ارتباط با اسرائیل بود و اسرائیل پشت مرزهای ما حضور پیدا کرده بود و خیلی محتاط برخورد می‌کردیم.

یک خاطره شنیده‌نشده هم برای‌مان بگویید.

آقای لاوروف که وزیر خارجی فعلی روسیه است زمانی که من در مسکو بودم معاون بین‌الملل وزارت خارجه بود، مدتی نیز سفیر روسیه در سازمان ملل شد. روسیه در آن زمان به قطع‌نامه‌های حقوق بشر علیه ایران رأی مثبت می‌داد و بر سر همین مسائل با لاوروف دیداری داشتم که گفت ما به عنوان پایه‌گذار سازمان ملل و کشوری که عضو دائم شورای امنیت است و حق وتو دارد، نمی‌توانیم برخلاف گزارش گزارشگر ویژه خود رأی دهیم؛ اگر خودمان حرف او را نپذیریم او دیگر وجاهت لازم را ندارد. البته بعدها وقتی خودشان درگیر موضوع حقوق بشر شدند و مسئله چچن پیش آمد این استدلال را زیر پا گذاشتند.

خاطرم هست زمانی که گورباچف دیگر رئیس‌جمهور نبود در بهمن ۱۳۷۰ به ملاقاتش رفتم، تا بابت عملکردش تشکر کنم و بخواهم که اگر مایل است به دولت کمک و مشورت دهد، زیرا یلتسین و گرایشش به غرب نگران‌کننده بود. در این دیدار از او برای سفر به ایران دعوت کردم که پذیرفت و استقبال کرد اما این سفر هیچ‌وقت محقق نشد، به نظرم گورباچف مشکلات شوروی را به‌خوبی درک کرده بود و فردی ملی‌گرا و دلسوز کشورش بود.

روزنه

علی مطهری از پشت پرده تعطیلی هشتم ربیع‌الاول می‌گوید

● **شرق:** علی مطهری در یادداشتی که در کانال تلگرامی‌اش منتشر کرده، نوشت: هشتم ربیع‌الاول روز شهادت امام حسن عسکری علیه‌السلام و آغاز امامت حضرت ولی‌عصر امام زمان علیه‌السلام است. در مجلس نهم یکی از اعضای هیئت‌رئیسه در پی درخواست یکی از علمای قم به او قول داد که این روز را تعطیل کند. فضای مجلس مخالف این تعطیلی بود، زیرا تکلیف مردم در این تعطیلی معلوم نیست که روز عزاست یا روز شادی. دیگر اینکه با تعطیل‌نبودن این روز و دایربودن ادارات و مدارس و دانشگاه‌ها و مطبوعات و... بهتر می‌توان این روز را بزرگ داشت و برنامه‌هایی اجرا کرد و اساسا فلسفه تعطیلی، بزرگداشت مناسبت آن روز است؛ والاّ اگر قرار باشد مردم در خانه‌ها بی‌کار بنشینند یا راهی شمال کشور شوند، فلسفه آن تعطیلی از بین می‌رود. سوم اینکه این روز مقارن با شب نهم ربیع است که عده‌ای جاهل مراسمی را در ارتباط با خلیفه دوم برگزار می‌کنند و به این وسیله ضربه‌ای به وحدت اسلامی وارد می‌کنند. نباید با این تعطیلی برای آنها فرصت ایجاد کرد. و دلیل چهارم این بود که اساسا هر یک روز تعطیلی یک ضربه اقتصادی به مملکت به‌ویژه بخش خصوصی است. به رغم این دلایل و مخالفت اکثر نمایندگان با این تعطیلی، به گونه‌ای برنامه‌ریزی شد که این تعطیلی در زمان بررسی لایحه تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت در مجلس در قالب یکی از بندهای ماده‌ای از این لایحه در آن گنجانده شد، بدون هرگونه ارتباطی با مقررات مالی. در موقع بررسی آن ماده در صحن مجلس چند نفر متوجه این مطلب شدند و داد و فریاد کردند و چون موضوع مورد بحث، اقتصادی بود و مجلس پرسروصدا بود و اجازه صحبت به آنها داده نشد و آن ماده تصویب شد درحالی‌که بسیاری از نمایندگان اصلا متوجه آن بند نشدند. شورای نگهبان به استناد اصل ۷۵ قانون اساسی و کاهش درآمد دولت، آن بند را رد کرد و به مجلس عودت داده شد و به کمیسیون مربوطه رفت. اواخر مجلس نهم بود و گزارش کمیسیون به صحن نرسید و در مجلس دهم در صحن مطرح شد. دوباره برخی افراد که از سیر ماجرا آگاه بودند، درخواست صحبت به‌عنوان مخالف داشتند که با استناد به اینکه مربوط به مجلس قبلی است، اجازه صحبت داده نشد و درحالی‌که باز بسیاری از نمایندگان خصوصا نمایندگان جدید از ماجرا آگاه نبودند، به تصویب رسید و به شورای نگهبان رفت. این بار شورای نگهبان را با استناد به اینکه این تعطیلی خواست یکی از علماست و به او قول داده‌ایم، قانع کردند و به صورت قانون درآمد. در مجلس دهم این‌جانب یک طرح یک‌فوریتی برای لغو این تعطیلی مطرح کردم که فوریت آن تصویب شد و به کمیسیون اجتماعی رفت. در آنجا هم تصویب شد. ولی همان عضو هیئت‌رئیسه مانع ارسال گزارش کمیسیون به هیئت‌رئیسه و در دستور قرارگرفتن آن شد. بعد از چند ماه از ممانعت او و تهدید این‌جانب، قبول کردند که در دستور قرار گیرد. در صحن علنی هم لغو این تعطیلی رأی آورد، ولی گفتند چون این بند جزء قانون تنظیم مقررات مالی دولت است و این قانون در حکم برنامه توسعه است؛ بنابراین نیاز به دوسوم آرای نمایندگان حاضر داشته است، یعنی دوباره مانع ایجاد کردند، درحالی‌که این تعطیلی ربطی به مقررات مالی نداشته و در حکم احکام قانون برنامه نیست و همان رأی اکثریت مطلق برای لغو آن کافی بود. قطع نظر از این مطلب، در این شرایط کرونایی بهتر آن بود که دولت این تعطیلی را برای امسال لغو می‌کرد تا مجبور به التماس به مردم برای مسافرت‌نرفتن نشود. از نمایندگان مجلس یازدهم درخواست دارم که این موضوع را دنبال کنند و با توجه به اینکه در این تعطیلی مصلحت کشور در نظر گرفته نشده است، نسبت به لغو آن اقدام نمایند. خود ائمه اطهار علیهم‌السلام هم با این‌گونه تعطیلی‌ها که آثار منفی آن بیشتر از آثار مثبت آن است مخالف‌اند.

آگهی اخطار

آقای احمد جانجان(۳۹۶۹۷۶۸۴۹۷۹)

کارمند:امور مالیاتی شهر واستان تهران

نظر به اینکه در اجرای رای شماره ۱/۱۸۴۵هب مورخ ۹۹/۰۵/۲۹صادره از شعبه اول هیات بدوی رسیدگی به تخلفات اداری سازمان امور مالیاتی کشور به مجازات ((اخراج از سازمان امور مالیاتی کشور)) محکوم شده اید.بدینوسیله مفاد رای مزبور به شما ابلاغ می گردد ضمنا رای مذکور قابل تجدید نظر می باشد و در صورت اعتراض حداکثر ظرف مدت ۳۰روز پس از نشر آگهی اعتراض خود را به تهران، میدان امام خمینی (ره) خیابان داور سازمان امور مالیاتی کشور اداره کل منابع انسانی و رفاه(امورقضایی) تسلیم نمایید ،درغیر اینصورت به استناد تبصره ۱ ماده۴ قانون رسیدگی به تخلفات اداری این رای از تاریخ انقضاء مهلت مذکور لازم الاجرا خواهد بود.

م الف۲۳۲۱

شرکت ملی نفت ایران
شرکت نفت و گاز اروندان

آگهی عمومی ارزیابی کیفی مناقصه گران
مناقصه عمومی یک مرحله‌ای شماره ۹۹/۴۶۲ م م
موضوع: خرید و نصب قفسه جهت انبارهای کالا
در مناطق دارخوین و غرب کارون

نوبت دوم

شماره مجوز:۱۳۹۹.۳۸۸۱

شرکت نفت و گاز اروندان(خریدار) در نظر دارد خرید کالای موضوع فوق را از طریق شرکت های تامین کننده داخلی واجد صلاحیت تامین نماید. **لطفا جهت کسب اطلاعات بیشتر و چگونگی حضور در این مناقصه به وب سایت شرکت نفت و گاز اروندان به آدرس AOGC.ir مراجعه فرمایید.**

در صورت نیاز با شماره تلفن کمیسیون مناقصات ۸۸۷۲۴۲۵۶-۰۲۱ تماس حاصل فرمایند.

روابط عمومی شرکت نفت و گاز اروندان

اصل مدرک فارغ التحصیلی اینجانب **افسون طلایی** فرزند **منوچهر** به شماره شناسنامه **۱۲۳۹** صادره از **اراک** در مقطع کارشناسی ناپیوشته رشته **مهندسی تکنولوژی معماری** صادره از واحد دانشگاهی تفرش با شماره سریال ۲۳۳۹۷۴۰ مفقود گردیده و فاقد اعتبارمی باشد.از یابنده تقاضا میشوداصل مدرک را به دانشگاه آزاد اسلامی واحد تفرش به نشانی تفرش، میدان معلم به سمت جاده معین آباد،دانشگاه آزاد اسلامی واحد تفرش،صندوق پستی ۱۶۴-۳۹۵۱۵ کدپستی ۳۶۱۶۷-۳۹۵۱۷ ارسال نماید.